

طرح‌های منطقه‌ای و تمرکزگرایی در ساختار فضایی نظام‌های شهری

(مطالعه موردی: استان کرمانشاه)

دکتر اسماعیل علی‌اکبری^۱

Regional Plans and Centralization in Spatial Structure of Urban Systems (Case Study: Kermanshah Province)

دریافت: ۱۳۹۱/۸/۵

پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴

Received: 29/Oct/2012

Accepted: 4/Mar/2013

Esmael Aliakbari¹

Abstract

The spatial structure of urban settlement system is affected by two groups of factors, namely physical and non-physical ones. The impact of physical factors on creation of urban systems was very impressive in the past. However, nowadays the main role is played by non-physical factors. Some of these factors are regional development plans which their impacts on urban system formations are important either in small or large scales of evaluation. Province of Kermanshah and its capital city also called Kermanshah is a remarkable example at Mid-Zagros region as the pole of regional growth during the last five decades. The region has been a target for a wide range of decisions, actions, and policies of regional development in west of Iran. The urban system of Kermanshah province with its imbalance size distribution is an example of the most imbalance and non-sustaining urban systems around the country. Having about one million populations, Kermanshah city is a dominant and concentrated urban pole for the whole province as well as the region. At the same time, the second largest city of the province has a population less than 100,000 or one-tenth of Kermanshah city population. More interestingly is the smallest city, Somar with only 20 residents. The existing gap of size distribution of cities with its Primate City Index which is 0.81 not only in regional scale but also in national scale is very high abnormal. What is considered in the present paper is the role of regional plans in centralization of urban system which results in imbalance spatial structure of urban settlement's systems. The paper also shows the pivotal function of city-oriented or urban centralization covert in classic views of regional development and regional planning especially the intensive tendency of such views towards the higher levels and head of urban network. It reveals one of the main basic reasons of rapid urban expansion, also polarization of urban system, divergence of settlement system and its harmful consequences on spatial system of the country and its regions with a provisional approach.

Keywords: urban system; regional plans; regional Policymaking; size Distribution; Kermanshah.

چکیده

ساختار فضایی نظام سکونتگاه‌های شهری تحت تاثیر دودسته عوامل قرار دارد. در گذشته نقش عوامل طبیعی در شکل‌دهی به نظام‌های شهری بسیار تاثیرگذار بود. اما در دوره اخیر مولفه‌های غیرطبیعی نقش بارزی در سازماندهی نظام‌های شهری بر عهده دارند. طرح‌های توسعه منطقه‌ای یکی از این مولفه‌ها است که تحلیل اثرات آن بر چهره‌پردازی نظام‌های شهری در مقیاس خرد و کلان بسیار اهمیت دارد. استان و شهر کرمانشاه یکی از نمونه‌های بارز و برجسته زاگرس میانی است که در طول پنج دهه به عنوان قطب رشد منطقه‌ای کانون بسیاری از تصمیمات، اقدامات و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در غرب کشور بوده است. نظام شهری این استان با توزیع اندازه بسیار ناموزون اکنون یکی از نامتعادل‌ترین و ناپایدارترین نظام‌های شهری کشور است؛ شهر کرمانشاه با حدود یک میلیون نفر جمعیت قطب شهری متمرکز و مسلط چه در سطح استانی و چه منطقه‌ای است. در حالی که دومین شهر استان با کمتر از صد هزار نفر جمعیت اندازه‌ای معادل یک دهم کرمانشاه دارد و سومار در آخرین مرتبه نظام سلسله مراتب شهری فقط بیست نفر جمعیت را در خود اسکان داده است. شکاف و گسستگی موجود در این شکل از توزیع اندازه شهرها که شاخص نخست شهری ۸۱/۰ معرف آن است، نه تنها در مقیاس منطقه‌ای بلکه حتی در مقیاس ملی به مقدار زیادی بالا و غیرعادی است. آنچه در این زمینه مورد توجه این مقاله است نقش آفرینی طرح‌های منطقه‌ای بر تمرکز در نظام شهری و در نتیجه ناموزونی در ساختار فضایی نظام سکونتگاه‌های شهری است. این مقاله در عین حال نقش شهرمحوری و شهرمداری یا تمرکزگرایی شهری دیدگاه‌های کلاسیک توسعه منطقه‌ای و بر همین اساس برنامه‌ریزی منطقه‌ای برآمده از آن به ویژه میل شدید این دیدگاه‌ها را به سطوح بالا و راس نظام شبکه شهری به خوبی نشان می‌دهد. بر این اساس میتوان یکی از علل ریشه‌ای توسعه شتابان شهرنشینی، قطبی شدن نظام شهری، ناهمگونی نظام سکونتگاهی و پیامدهای زیانبار آن را بر سازمان فضایی کشور و مناطق آن با رویکرد آمایشی آشکار ساخت.

کلیدواژه‌ها: نظام شهری؛ طرح‌های منطقه‌ای؛ سیاست‌گذاری منطقه‌ای؛ توزیع اندازه شهرها؛ کرمانشاه.

1. Associate Professor, Geography Department, Payam-e-noor University
eMail: aliakbariesmaeil@yahoo.com

۱. دانشیار گروه جغرافیای سازمان مرکزی دانشگاه پیام‌نور
پست الکترونیک: aliakbariesmaeil@yahoo.com

میانی در غرب کشور که در چند دهه اخیر کانون بسیاری از سیاست‌گذاری‌ها، تصمیمات و اقدامات منطقه‌ای دولت بوده است. استان کرمانشاه یکی از نمونه‌های برجسته سیاست‌های منطقه‌ای در شکل‌دهی به سازمان فضایی نظام‌های شهری است. دستاوردهای مطالعاتی این پژوهش نه تنها در ریشه‌یابی مسائل شهری و منطقه‌ای فضاهای جغرافیایی به طور اعم و فضاهای شهری به طور اخص بلکه در ارزیابی الگوهای مداخله دولت در چهره‌پردازی فضاها و نظام‌های شهری و منطقه‌ای و تبیین پیامدهای مثبت و منفی برخاسته از آن در مقیاس شهری و منطقه‌ای و بر همین مبنای دستیابی به رهیافت‌های علمی برای تعادل بخشی در نظام شهری و سازمان فضایی شهرهای کشور بسیار اهمیت دارد.

مبانی نظری

نظام شهری مجموعه‌ای کالبدی از سکونتگاه‌های شهری هم بسته در یک محدوده جغرافیایی است که ساختار فضایی و آرایش مکانی آن از طریق حرکت‌های جمعیتی و جریان کالا و خدمات سازمان می‌یابد. روابط متقابل ناشی از تحرک جمعیت و سرمایه، جریان کالا، خدمات، ایده‌ها و اطلاعات نظامی را از شهرها به وجود می‌آورد که به آن نظام شهری می‌گویند. ارتباط متقابل نیروی محرکه نظام‌های شهری است که به آن دینامیزم و پویایی می‌بخشد. این ارتباط مستقل از اراده شهروندان و در چارچوب بقاء و بازتولید متقابل بین شهرها صورت می‌گیرد. واژه نظام شهری را نخستین بار برایان بری جغرافیدان آمریکایی در سال ۱۹۶۴ پیشنهاد داد. وی این ایده را تحت تأثیر «نظریه عمومی سیستم‌ها» مطرح کرد و از این طریق کوشش نمود نظریه سیستم‌ها را در مطالعات شهری و منطقه‌ای به کار گیرد (عظیمی، ۱۳۸، ۵۳). بری اصطلاح نظام شهری را به معنای گروهی از شهرهای وابسته و مرتبط به هم یعنی با همان مفهوم شبکه شهرها به کار برد. اصطلاح نظام شهری یا نظام شبکه شهری به مفهومی که امروز از آن استنباط می‌شود به برنامه‌های توسعه پس از جنگ دوم جهانی باز می‌گردد. کشور فرانسه در آن دوره با عدم تعادل فضایی و اثرات آن برنامه‌زونی نظام شهری در پیکره ملی مواجه شد و این ناموزونی عمدتاً محصول تمرکز شدید جمعیت و فعالیت در قطب پاریس بود. در برنامه‌های آمایش سرزمین فرانسه برای توصیف نظام شبکه شهری از اصطلاح استخوان‌بندی شهری استفاده شده است. این اصطلاح از طریق همکاری‌های میان کارشناسان داتار با مهندسی مشاور ست کوپ^۱ در طرح جامع توسعه اقتصادی خراسان (۱۳۵۱) و مهندسی مشاورستیران^۲ در تهیه طرح آمایش سرزمین (۱۳۵۶) وارد ادبیات

شهرها مهمترین عناصر تشکیل‌دهنده نظام سکونتگاهی هستند. مراکز شهری نه تنها به واسطه ظرفیت قابل توجه خود در اسکان جمعیت، کارکرد سکونتی بالایی دارند بلکه به واسطه برخورداری از کارکردهای اقتصادی، ارتباطی، خدمات‌رسانی، تدارکاتی و همچنین به عنوان کانون اصلی تمرکز نهادهای اداری سیاسی، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به سازمان فضایی نظام‌های سکونتگاهی ایفاء می‌کنند. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین محورهای موضوعی در مطالعات شهری شناخت و ارزیابی نظام شهری است که می‌تواند درک نسبتاً مناسبی از جایگاه و موقعیت شهرها در نظام سکونتگاهی یک منطقه بدست بدهد. تنوع و گوناگونی سرزمین ایران بیش از همه در ساختار محیط جغرافیایی کشور نقش بسته است. عرصه‌ها و نواحی طبیعی در همه جا ظرفیت‌ها و توان‌های یکسانی برای سکونت و فعالیت ندارند. ناهمگونی در ظرفیت جمعیتی‌پذیری و الگوی توزیع فضایی کانون‌های زیستی به ویژه شهرها در پیکره ملی، یکی از ویژگی‌های سرزمینی نظام سکونتگاه‌های شهری است. علاوه بر تفاوت‌های ناحیه‌ای بارزی که میان نیمه‌های شرقی و غربی و سواحل شمالی و جنوبی در مقیاس کلان وجود دارد در درون نواحی نیز شهرها و جمعیت شهرنشین در نقاطی خاص از فضا متمرکز شده است. ویژگی تمرکزگرایی و قطب‌سازی ساختار جغرافیای طبیعی ایران توسط تصمیم‌گیری‌های سیاسی تشدید شده و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای به آن دامن زده است. محصول این روند شکل‌گیری نظام شهری با توزیع اندازه ناهمگون در شبکه‌ای از شهرهاست که برتری و تسلط کلانشهرها و در راس آنها تهران بر نظام شبکه، مشخصه اصلی و بارز آن در مقیاس ملی به‌شمار می‌رود. در مقیاس استانی و ناحیه‌ای نیز می‌توان وضعیت مشابهی در سازمان فضایی نظام شبکه شهری مشاهده کرد. در برخی نواحی تسلط نخست شهر مرکز استان بر نظام شبکه به گونه‌ای است که هیچ‌یک از شهرها توان رقابت‌پذیری با آن را ندارند و الگوی توزیع اندازه شهرها در نظامی شدیداً ناهمگون و ناموزون شکل گرفته است. در چنین شرایطی پرسش‌های اساسی در بررسی نظام شهری این است که این نظام چگونه شکل می‌گیرد؟ چه مؤلفه‌ها و نیروهایی بر تکوین و تحول آن تاثیرگذار است؟ آیا نیروهای خاص نظام‌های شهری با خصوصیات مشخص می‌آفرینند؟ رابطه میان اندازه و مرتبه شهرها در شبکه تابع چه الگویی است؟ و در نهایت ساختار فضایی نظام شهری چه تاثیری بر شکل‌پذیری سازمان فضایی دارد؟ این مقاله در واقع تلاشی است در قالب ساختارشناسی نظام شهری برای درک و تحلیل ناحیه‌ای نیروهای تاثیرگذار بر پیدایش و تحول نظام شبکه شهری در یکی از نواحی زاگرس

مجموعه از نظر نظم فضایی می‌تواند چون حلقه‌های زنجیره به هم پیوسته‌های باشد که به سبب رشد متفاوت اما منسجم و هماهنگ، هریک پرتوافشانی متفاوتی روی ناحیه داشته باشند و یا بدون پیوندهای ارگانیکی و روابط اندام‌وار، به صورت مجموعه‌ای گسسته با رشد ناهماهنگ اثرات فضایی را در نقطه‌ای خاص متمرکز نمایند. بافت حلقه‌های درشت و ضعیف و پیوسته و گسسته این مجموعه شهری را باید شناخت و بر ساختار، روابط، علل و عوامل و پیامدهای آن آگاهی یافت.

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای تئوریک نظام شهری نشان می‌دهد این نظریه‌ها سازماندهی شبکه شهری را به عنوان رهیافت اصلی برای تعادل بخشی فضایی و تمرکززدایی از فضای ملی و منطقه‌ای می‌دانند. فرض پایه‌ای این رویکردها این است که با ایجاد سلسله مراتبی سازمان یافته از مراکز شهری، بسترهای اولیه برای انگیزش توسعه، تعادل و توازن منطقه‌ای فراهم می‌آید. مجموعه نظریه‌های توسعه منطقه‌ای را در یک جمع‌بندی کلی می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

نخست نظریه‌های کلاسیک - سنتی است که شرط دستیابی به توسعه را افزایش کارایی به کمک رشد اقتصادی (اقتصاد صنعتی) می‌دانند و علت توسعه نیافتگی را کمبود سرمایه دانسته و راه حل مورد نظر را در نوسازی اقتصادی، افزایش تولید و انباشت سرمایه از طریق قطب‌های شهری - صنعتی پیشنهاد می‌کنند. بدین معنا که در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای تجمع جمعیت، فعالیت و زیرساخت‌ها در یک نقطه از فضا (قطب رشد) ضروری است تا از طریق اثریخس یا اصل رخنه به پایین آثار مثبت توسعه را در نواحی پیرامون منتشر کند. نظریه قطب رشد فرانسوا پرو، هیرشمن و میردال و نظریه مرکز - پیرامون جان فریدمن در این راستا مطرح شده‌اند. بازتاب فضایی این نظریه‌ها شکل‌گیری یک یا چند قطب رشد به عنوان موتور محرکه توسعه است. قطب رشد از نظر فضایی شهرمحور و از نظریه‌های صنعتگر است (قطب رشد شهری - صنعتی) و در کشورهای در حال توسعه در قالب کلان شهرهای ملی و منطقه‌ای ظاهر می‌شود. استدلال آن است که شهرهای بزرگ به علت حداکثر کردن صرفه‌های ناشی از تجمع و مقیاس از کارایی اقتصادی بالایی برخوردارند و قادر به تولید و انباشت ثروت بیشتری هستند. قطب‌های رشد پس از ایجاد از طریق سازوکار رخنه به پایین یا انتشار، سرمایه و اثرات توسعه را در سایر فضاها، نقاط و سکونتگاه‌های پیرامون منتشر کرده و بدین ترتیب با پیدایش قطب رشد‌های پیرو (پاتر و همکار، ۱۳۸۴، ۶۴ - ۶۵) نظام سکونتگاهی به سمت تعادل و سلسله مراتب میل می‌کند. براین اساس توسعه بخش صنعت قادر است سایر بخش‌های اقتصادی را نیز تحریک

برنامه‌ریزی در ایران شد و از آن پس استفاده از آن در مطالعات شهری متداول گردید.

آرایش فضایی نظام شهری یا توزیع اندازه شهرها در یک نظام شهری می‌تواند منطبق بر یکی از حالت‌های زیر باشد:

* نخست حاکمیت نظم سلسله مراتبی یا وجود الگوی رتبه - اندازه در توزیع اندازه شهرها است. در این حالت نظام توزیع جمعیت میان شبکه شهرها حالت نرمال دارد. به عبارت دیگر اندازه جمعیت هر شهر از مرتبه آن در شبکه تبعیت می‌کند. در چنین شرایطی در نبود قطب‌های متمرکز شهری ساختار فضایی نظام شهری نیز قطبی نخواهد شد و شهرها در نظم سلسله مراتبی شکل می‌گیرد.

* در برخی نواحی آرایش نظام شهری فاقد نظم فضایی است. در این حالت نظام شبکه شهری به سمت الگوی نخست شهری میل می‌کند که بیانگر تسلط و برتری یک شهر (نخست شهر) بر کل شبکه شهری است. هرچه انحراف از نظم سلسله مراتبی (رتبه - اندازه) بیشتر و شاخص نخست شهری بالاتر باشد ساختار فضایی نظام سکونتگاهی به طور اعم و نظام شهری به طور اخص به سوی قطبی شدن میل می‌کند. در چنین شرایطی رشد شتابان یک یا چند شهر و سلطه آن بر سایر شهرها نظم فضایی نظام شهری را به شدت تحت تاثیر موقعیت برتر خود قرار می‌دهد.

عوامل متعددی باعث به وجود آمدن نقاط ثقل و قطب‌های برتر در نظام شهری می‌شود. تحولات اقتصادی، دخالت‌های انسان از طریق تصمیم‌گیری‌های سیاسی و الگوهای برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای هر یک می‌تواند نظم جدیدی از آرایش فضایی در نظام‌های شهری بیافرینند و یا بر نظام شهری موجود تاثیرات جدی بر جای بگذارند. عوامل تاثیرگذار در مجموع آنگونه که شیوه مطالعات جغرافیایی نظام شهری است در دو دسته عوامل محیط طبیعی و مولفه‌های انسان ساخت طبقه‌بندی می‌شوند. ساخت نظام شهری در واقع برآیندی از تعامل و کنش متقابل نیروها و نهادهای برآمده از این عوامل است که دولت، بازار، جنبش‌های اجتماعی، تحولات فناوری ارتباطی، محرک‌های خارجی و ساخت سازمان فضایی (عظیمی، ۱۳۸۱، ۱۲۲-۱۲۳) مهمترین آنها در شرایط کنونی هستند. در گذشته نقش عوامل درونی و طبیعی در شکل‌دهی به نظام‌های سکونتگاهی بسیار تاثیرگذار بود. اما در شرایط کنونی نیروهای غیرطبیعی نقش بارزی در سازماندهی نظام‌های شهری بر عهده دارند. طرح‌های منطقه‌ای یکی از این مولفه‌ها است که تحلیل اثرات آن بر نظام شهری بسیار اهمیت دارد.

بنابراین نظام شهری یا نظام شبکه شهری به مجموعه‌ای از شهرها اطلاق می‌شود که در یک محدوده جغرافیایی توزیع شده‌اند. این

رشد و خدمات‌رسان، از سطح کلانشهر تا مراکز روستایی است. این الگو را می‌توان نوعی رویکرد «تمرکز غیرمتمرکز» در سازماندهی فضا دانست.

موضوع نظام شهری دارای پیشینه مطالعاتی نسبتاً گسترده‌ای است. این مطالعات در سطح جهانی از ۱۹۶۰ آغاز و تا پایان دهه ۱۹۸۰ به‌اوج خود رسید و این عمده‌تاً محصول کاربردپذیری مدل‌ها، قانونمندی‌ها و الگوهای توزیع اندازه (رتبه - اندازه^۳) و نخست شهری^۴ در مطالعات نظام شهری بود. قانده رتبه - اندازه ابتدا در سال ۱۹۱۳ توسط جغرافیدان آلمانی اوثریاخ^۵ پیشنهاد و در سال ۱۹۴۹ به وسیله زیف^۶ در یک رابطه لگاریتمی فرمول‌بندی شد. قانون نخست شهری نیز ابتدا توسط مارک جفرسون^۷ جغرافیدان آمریکایی در سال ۱۹۳۹ براساس شاخص دو شهر پیشنهاد شد، سپس کلارک^۸ با شاخص چهارشهر^۹ و سرانجام در سال ۱۹۶۴ مهتا^{۱۰} آن را با نسبت اندازه شهر نخست با چهارشهر اول نظام شهری فرمول‌بندی و پیشنهاد دادند. مطالعات اولیه در این زمینه عموماً به ماهیت و منشأ شکل‌گیری و الگوهای توزیع اندازه نظام شهری و مقایسه‌های تطبیقی آن در اقتصادهای توسعه یافته و درحال توسعه اختصاص داشت. مطالعات بریایان بری^{۱۱} (۱۹۷۰) در مورد سطوح سه‌گانه نظام توزیع اندازه شهری در ۳۹ کشور مختلف جهان که تاکنون مرجع مطالعات بسیاری بوده، پتراهگت^{۱۲} (۱۹۷۲) در مورد الگوی چندگانه توزیع اندازه شهرها در استرالیا، هاری ریچاردسون^{۱۳} (۱۹۷۳) در مورد شکل‌های توزیع اندازه شهری در نظام‌های شهری، ادوارد مالکی^{۱۴} (۱۹۷۵) در مورد تغییرات شیب خط توزیع در طول زمان، می‌یر و همکاران^{۱۵} (۱۹۸۱) در مورد شبکه شهری استرالیا و چین هوان لی^{۱۶} (۱۹۸۶) راجع به توزیع اندازه شهرها در کره از مهمترین مطالعات انجام شده در مقیاس جهانی به شمار می‌روند. این در حالی است که از ۱۹۹۰ به این سوی با طرح مباحث توسعه پایدار و جهانی شدن محورهای جدیدی در مطالعات نظام شهری گشوده شده است. در عصر جهانی شدن نظام شهری به عنوان یک نظام باز با نقش‌پذیری از نیروها و عوامل بیرونی دیده می‌شود که در آن به جای فاصله و هندسه فضا بر نقش فن‌آوری‌های نوین و تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مقیاس جهانی در

کرده و از طریق رخنه به پایین بخش‌های غیرصنعتی را نیز فعال کند. این نظریه به لحاظ سازمان‌یابی فضایی، تمرکزگرا است و کاربرد آن در کشورهای درحال توسعه با تقویت شهرهای بزرگ یا شهرهای پیش‌تاز به الگوی نخست شهری و عدم تعادل در نظام سکونتگاه‌های شهری انجامیده است.

گروه دوم توسعه اجتماعی را در مسیر توسعه مقدم بر رشد اقتصادی می‌داند. طرفداران این رویکرد معتقدند وابستگی کشورها به نظام سرمایه‌داری عامل اصلی توسعه‌نیافتگی این کشورها است. به باور این گروه، راه خروج از بنیست توسعه‌نیافتگی اتکاء به منابع داخلی در فرایند توسعه و راه رشد غیرسرمایه‌داری است. قطب رشد به تمرکز و سلطه کلانشهرها میانجامد و این شهرها به‌جای انتشار توسعه، به تمرکز بیشتر جمعیت و فعالیت در فضا و در نتیجه قطبی شدن بیشتر فضا منجر می‌شوند، فرایندی که به توسعه نیافتگی تعبیر شده است. راهبرد پیشنهادی این گروه از نظر بخشی توسعه فعالیت‌های متکی به نیازهای خاص انسانی، منابع داخلی و در رأس آن فعالیت کشاورزی و از نظر فضایی توسعه پایین به بالای نظام سکونتگاهی یا مجموعه‌ای از شهرهای کوچک و روستا - شهرهای خدمات‌رسان که پاره‌ای از عناصر کلیدی شهرنشینی را در نواحی کوچک و پرتراکم روستایی داشته باشند (عظیمی، ۱۳۸۱، ۱۰۶-۱۰۷). الگوی نظام شهری مورد نظر این گروه تا حد زیادی همگن و فاقد نظام سلسله‌مراتبی است و می‌توان آن را نوعی نظام غیرمتمرکز نامید. راهبرد «توسعه کشت - شهر» توسط فریدمن و داگلاس^۲ در سال ۱۹۷۵ به عنوان تجربه آسیایی توسعه منطقه‌ای (صرافی، ۱۲۵، ۱۳۷۷ - ۱۲۳۹) در این راستا مطرح شده است.

گروه سوم، نظریه سلسله مراتب شبکه سکونتگاهی است. این نظریه‌ها را می‌توان اصلاح‌طلبانه و در میانه طیفی قرار داد که دو دسته نظریه‌های یادشده در دو سوی آن قرار دارند. نظریه اخیر واجد عناصر مهم هر دو نظریه است. یعنی در مسیر توسعه هم به کارایی اقتصادی و هم به عدالت اجتماعی بها می‌دهد. در این نظریه به نقش مثبت و مؤثر شهرهای بزرگ توجه شده زیرا شهرهای بزرگ در صورتی که نقش انگلی نداشته و مولد باشند به دلیل کارایی بالا، توان بیشتری در انباشت سرمایه و انتشار آثار توسعه (در مقایسه با شهرهای کوچک) دارند. در همین حال تجربه‌های جهانی نشان داده که نمی‌توان به امید آثار نشتی شهرهای بزرگ، سکونتگاه‌های کوچک را به فراموشی سپرد و برابری اقتصادی و اجتماعی را در فضا به آینده نامعلوم موکول کرد. راهبرد پیشنهادی نظریه سلسله مراتب شبکه سکونتگاهی، به جای ایجاد یک قطب رشد، یکپارچه سازی سکونتگاه‌ها در نظامی سلسله مراتبی از مراکز

3. Rank-size
4. Primate-City
5. F. Auerbach
6. Zipf
7. M. Jefferson
8. Clarke
9. Four-city index
10. Mehta
11. B. Berry
12. P. Hagget
13. H. Richardson
14. E. J. Malec
15. L. Mayer
16. J. H. Lee

1. Agropolitan Development
2. M. Douglass

در تهیه اطلاعات عمدتاً از روش کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده است. در تحلیل تحولات نظام شهری از روش‌ها قانده Rank - size (شاخص نخست شهر و چهار شهر) در طول چهار دوره سرشماری (۱۳۵۵ - ۱۳۸۵) استفاده شده است. در شناخت طرح‌های منطقه‌ای بر اساس روند نگاری طرح‌ها و با استفاده از روش تحلیل محتوی، سیاست‌گذاری‌ها، استراتژی‌های پیشنهادی و راهکارهای اجرایی این طرح‌ها برای نظام شهری بر حسب نوع طرح و به تفکیک برنامه‌ها و پروژه‌ها جمع‌بندی و ارائه شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه با ۲۴،۴۳۴ کیلومتر مربع مساحت ۱/۵ درصد فلات ایران در غرب کشور فرا گرفته است. میانگین ارتفاع این استان ۱۲۰۰ متر از سطح دریا است و بخش اعظم آن پوشیده از دشت‌های هموار و مرتفعی است که بستر فعالیت‌های زراعی و عرصه اصلی شکل‌گیری کانون‌های شهری است. پیکره جغرافیایی استان از نظر تقسیمات طبیعی در دو واحد فیزیوگرافی از هم تفکیک شده است. بخش غربی ناحیه‌ای مرزی است که به دلایل جغرافیایی، سیاسی و استراتژیک ناحیه‌ای کم فعال به شمار می‌رود و نقش چندانی در نظام زیست و فعالیت استان بر عهده ندارد. اما ناحیه شرقی عرصه فعالی است که بخش اعظمی از مراکز زیست و فعالیت استان در آن بارگذاری شده است. کرمانشاه کانون اصلی فعالیت و قطب جمعیتی استان در این ناحیه قرار دارد. هم‌پیوندی و همبستگی میان نواحی انسان ساخت و نواحی طبیعی در این بخش استان بستری مناسب برای ایجاد مراکز عمده جمعیت و فعالیت به وجود آورده است.

استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۸۴۲۴۵۷ نفر جمعیت بوده که ۶۸ درصد آن در شهرها و ۳۲ درصد در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. توزیع فضایی جمعیت در سطح استان چه از نظر محدوده‌های طبیعی و سیاسی، چه نقاط شهری و روستایی و چه میان شبکه شهرها از همگونی بسیار اندکی برخوردار است. کرمانشاه یکی از نواحی ایران است که نظام فضایی جمعیت و فعالیت در آن به شدت ناموزون است. به همین دلیل تعادل بخشی در نظام فضایی جمعیت و فعالیت یکی از مهمترین ضرورت‌های آمایشی برای ایجاد نظم فضایی در پیکره استان است. یکی از بارزترین شواهد این ناموزونی فضایی در عرصه نظام شبکه شهری استان شکل گرفته است. به گونه‌ای که کرمانشاه به تنهایی ۶۳/۲ درصد از جمعیت شهری استان را در خود اسکان داده است.

ساختار نظام اقتصادی استان و شهرهای آن عمدتاً به بخش خدمات وابسته است. بخش خدمات با ۵۴ درصد سهم از کل شاغلان شهری، بزرگترین فعالیت اشتغال‌زا در مناطق شهری است.

سازمان‌یابی فضا به طور اعم و فضای شهری یا نظام شهری به طور اخص تأکید می‌شود.

در ایران مطالعات نظام شهری از نظر موضوعی اغلب روند تحولات، عوامل تأثیرگذار، تعادل و عدم تعادل و رهیافت‌های تعادل بخشی در نظام شهری را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. این مطالعات برخی در مقیاس ملی و برخی در مقیاس ناحیه‌ای (استانی) انجام شده‌اند. مطالعه گیتی اعتماد (۱۳۶۳) در مورد روند تحولات و عوامل تأثیرگذار برگسیختگی نظام شبکه شهری ایران، پژوهش حمیده امکچی راجع به نقش شهرهای میانی در توسعه ملی، تحلیل نظری - مدلینگک فاطمه بهفروز (۱۳۷۱) راجع به روند تحول توزیع اندازه و رهیافت‌های متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران و پژوهش اصغر نظریان (۱۳۷۵، ۱۳۷۴ و ۱۳۸۸) در مورد نقش مهاجرت‌های روستایی در تغییرات شبکه و سلسله‌مراتب شهری کشور، جایگاه شهرهای کوچک و میانی در سازماندهی فضای ملی و پویایی نظام شهری ایران از جمله شاخص‌ترین مطالعات انجام شده در مقیاس ملی هستند. در سطح ناحیه‌ای می‌توان به مطالعات طلا مینایی (۱۳۵۳) در مورد اصفهان، رهنمایی و همکاران (۱۳۹۰) درباره سیستان و بلوچستان و زابل، زهره فنی (۱۳۷۵) راجع به خوزستان، مجتبی رفیعیان (۱۳۷۵) در مورد اصفهان، شهریور روستایی (۱۳۷۷) در مورد آذربایجان شرقی، ابوالفضل مشکینی (۱۳۸۲) در مورد زنجان، اسماعیل چاوشی (۱۳۷۳) در مورد سیستان و بلوچستان، کنعان‌پور (۱۳۸۰) درباره اردبیل، حاجی‌پور (۱۳۸۴) درباره خوزستان، تولایی و همکار (۱۳۸۵) راجع به مازندران، تالشی و همکاران (۱۳۹۱) در مورد اردبیل، اکبری و همکاران (۱۳۸۵) در مورد ایران و فتحی (۱۳۸۱) و کوهی (۱۳۸۲) درباره کرمانشاه اشاره کرد که عموماً به عنوان پژوهش‌های دانشگاهی در قالب پایان‌نامه یا رساله‌های تحصیلی تهیه شده‌اند.

روش تحقیق

این مقاله توصیف و تحلیلی از نظام شهری است که بر روش تحقیق علی استوار شده است. کاربرد این روش نه تنها بیانگر یکی از جنبه‌های اساسی این مطالعه یعنی ساختارشناسی جغرافیایی نظام شهری است بلکه در مصداق حرکت از سطح به عمق یا از عینیت به ذهنیت، آرایش لایه‌های سطحی، عینی و قابل رویت نظام فضایی شهرها را در مقیاس ناحیه‌ای بر مبنای عوامل و مولفه‌های بیرونی علتیابی می‌کند. درک روابط علت و معلولی پدیده‌ها بر مبنای توصیف و تحلیل دقیق آنها برای کشف و درک واقعیت‌های موجود و برهمین اساس برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح آن بسیار اهمیت دارد.

سکونتگاهی فضا را در کنترل موقعیت برتر خود داشته است. اثرات فضایی ناشی از چنین تمرکزی، از منظر ساختارشناسی فضا بیانگر فضایی تک قطبی است که در آن یک قطب متمرکز شهری، تمامی عرصه فضا را در حوزه نفوذ یا تاثیر خود داشته است. از آنجایی که کرمانشاه از نظر موقعیت مکانی تقریباً در مرکز جغرافیایی استان نیز واقع شده، لذا می‌توان حاکمیت نوعی رابطه مرکز پیرامون در ساختار نظام سکونتگاهی شهری استان در این سال تصور کرد که بر اساس آن جمعیت میل شدیدی به تمرکز در تنها نقطه کانونی فضا را داشته است. شیب جمعیتی موجود در نظام اسکان شهری، از اطراف به مرکز فضای شهری بوده است و تمرکز فضایی، فضای متمرکز را به دنبال داشته است.

در سال ۱۳۶۵ جمعیت شهری استان به بیش از ۵۶۰/۵ هزار نفر رسید و تعداد شهرها به ۱۴ نقطه شهری افزایش یافت. در خلال دهه ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ بیش از ۳۹۷/۸ هزار نفر به جمعیت شهرنشین استان افزوده شد. از سوی دیگر با وقوع جنگ جابجایی جمعیتی نسبتاً قابل توجهی از بخش غربی استان به نواحی میانی و شرقی آن رخ داد. اثرات ناشی از افزایش و جابجایی جمعیت شهری، هم‌ساختار فضایی موجود شبکه و هم توزیع فضایی جمعیت در شبکه را به مقدار زیادی دگرگون کرد. به همین دلیل در این سال ناحیه غربی استان خرده نظام شبکه شهری خطی خود که در امتداد مرز شکل گرفته بود را از دست داد و به موازات آن با اسکان ساکنان این شهرها در سایر مراکز شهری، تغییراتی در رتبه اندازه نظام شهری استان بوقوع پیوست. کرمانشاه با بیش از ۵۶۰/۵ هزار نفر جمعیت و ۶۸/۲ درصد جمعیت شهرنشین استان، همچنان موقعیت مسلط خود را در رأس شبکه به عنوان نخست شهر برتر حفظ کرد. اسلام آباد غرب به عنوان دومین شهر استان اگر چه ظرفیت جمعیتی خود را به بیش از ۲ برابر سال ۱۳۵۵ ارتقاء داد ولی براساس فائده رتبه اندازه، در رقابت با نخست شهر کرمانشاه با خلاء جمعیتی معادل ۲۰۶/۸ هزار نفر مواجه شد که عمدتاً محصول سرعت رشد بیشتر جمعیت در شهر کرمانشاه بود. بر این اساس شهر کرمانشاه در سال ۱۳۶۵ حدود ۹ برابر دومین شهر شبکه جمعیت داشته است. نسبت ۱ به ۹ در بررسی رابطه میان اندازه جمعیتی شهر دوم و اول نظام شهری، بیانگر شاخص نخست شهری بسیار بزرگی است که چه در مقایسه با شاخص‌های منطقه‌ای و چه در مقام مقایسه با شاخص مشابه ملی در همان سال به مقدار زیادی بالاست.

پدیده خلاء جمعیتی یا فاصله میان جمعیت موجود و مطلوب در تمامی شهرهای استان متناسب با مرتبه آنها به چشم می‌خورد. شاخص کمی این پدیده از ۱۰۰ هزار نفر برای کنگاور تا ۴۰ هزار نفر برای شهر نوسود در پایین‌ترین مراتب نظام شهری نوسان داشته

کل واحدهای فعالیتی در مناطق شهری استان حدود ۶۲۰۰۰ واحد است که بیش از نیمی از آنها در شهر کرمانشاه مستقر هستند. همچنین بیش از ۸۰ درصد کارگاه‌های خدماتی و تولیدی بزرگ و حدود ۹۸ درصد از اشتغال کارگاه‌های بزرگ مناطق شهری استان در شهر کرمانشاه مکانیابی شده است. به همین دلیل نه تنها شهرهای پسرکانه منطقه شهری کرمانشاه بلکه شهرهای واقع در نواحی دوردست نیز بسیاری از نیازهای خدماتی و کالایی خود را از شهر کرمانشاه دریافت می‌کنند. این ویژگی تعادل سازمان فضایی استان را به نفع حوزه میانی و در راس آن شهر کرمانشاه به شدت برهم زده است.

بحث و یافته‌ها

ساختار فضایی نظام شهری کرمانشاه

در سال ۱۳۵۵ استان کرمانشاه دارای ۱۰ نقطه شهری بوده است. شهر کرمانشاه با ۲۹۰/۶ هزار نفر جمعیت و با اختلاف فاحشی نسبت به سایر شهرها در رأس شبکه قرار داشته است. اسلام‌آباد غرب در مرتبه دوم با ۳۰/۸ هزار نفر جمعیت، ۷ درصد از جمعیت شهرنشین استان را در خود داشته است. در حالی که این شهر بر اساس قانون رتبه اندازه می‌بایست بیش از ۱۴۵/۳ هزار نفر جمعیت داشته باشد. بدین ترتیب با توجه به اختلاف میان جمعیت موجود و جمعیت مطلوب، اسلام‌آباد در این سال با کمبود جمعیتی معادل ۱۱۴/۵ هزار نفر مواجه بوده است.

اختلاف از شاخص جمعیت مطلوب برای شهر رتبه سوم (قصر شیرین)، ۷۳/۶ هزار نفر بوده و در شهرهای پایین‌تر نظام نیز متناسب با مرتبه شهری، شکاف‌های جمعیتی قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. در آخرین مرتبه (رتبه ۱۰) نظام شهری، شهر پاوه با ۵/۷ هزار نفر جمعیت یا ۱/۳ درصد جمعیت شهرنشین قرار داشته که اندازه جمعیتی آن بر اساس قانون رتبه اندازه ۵۰ برابر از رتبه واقعی آن فاصله داشته است. بدین ترتیب استان کرمانشاه در سال ۱۳۵۵ دارای شاخص نخست شهری قابل توجهی در نظام شهری بوده است.

درجه نخست شهری استان بر اساس شاخص چهار شهر ۰/۸۰ برآورد می‌شود و مقدار Q برابر با ۱/۹۰ می‌باشد که بیانگر فوق برتری نخست شهری در توزیع اندازه جمعیت نظام شهری است. شهر کرمانشاه در این سال با بیش از ۶۵/۸ درصد از کل جمعیت شهرنشین، در مقایسه با دومین شهر نظام (اسلام‌آباد غرب) ۹/۴ برابر بزرگتر بوده است. ساختار نظام سکونتگاهی و همین‌طور ساختار سکونتگاه‌های شهری استان در این سال به شدت در انحصار موقعیت جمعیتی و عملکردی کرمانشاه قرار داشته است. این شهر در سال ۱۳۵۵ بدون رقیب، هم الگوی اسکان و هم الگوی نظم

تقریباً هیچگونه نقش موثری در تقویت نظم سلسله‌مراتبی و متعادل‌سازی نظام توزیع اندازه شهرها نداشته است.

ویژگی بارز این دوره همچون دوره‌های قبل پدیده نخست شهری است. درجه نخست شهری بر اساس شاخص چهار شهر برابر $0/79$ بوده و مقدار Q از $2/3$ در سال ۱۳۶۵ به $1/91$ کاهش یافته است اما در مقایسه با سال ۱۳۵۵ دارای رشد بوده است. به همین دلیل نقش و جایگاه عناصر شهری نظام سکونتگاهی در بارگذاری و توزیع جمعیت در فضا، چون دوره‌های قبل نقشی کاملاً قطبی و ناموزون بوده است. توصیف سازمان فضایی استان از منظر عناصر شهری نظام سکونتگاهی، بیانگر سازمان ناهمگونی است که به موجب آن هم وزنی در بارگذاری جمعیت در بستر فضا به مقدار زیادی پایین بوده است.

در مجموع آنچه به عنوان توصیف الگوی توزیع اندازه سکونتگاه‌های شهری استان کرمانشاه در طول سه دهه از ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ می‌توان بر آن تاکید کرد در موارد زیر قابل جمع‌بندی است:

- ۱- تعداد شهرهای استان در طول سه دوره سرشماری ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب از ۱۰ نقطه به ۱۴ نقطه و سپس به ۱۹ نقطه شهری رسیده و $1/9$ برابر شده است. این افزایش اگر چه اندکی بیشتر از رشد نظام شهری کشور در همین دوره است ولی در مقایسه با شاخص‌های منطقه‌ای در استان‌های همجوار رشد سریعی محسوب نمی‌شود. تعداد شهرهای کشور در این دوره از ۳۷۳ نقطه به ۴۹۶ نقطه و سپس به ۶۱۴ نقطه شهری افزایش یافته و $1/6$ برابر شده است. شاخص کمی نظام شهری استان‌های همجوار در سطح منطقه‌ای رشد به مراتب بیشتری را نشان می‌دهد. در استان ایلام از ۴ شهر در سال ۱۳۵۵ به ۱۵ شهر در سال ۱۳۷۵ رسیده و حدود ۴ برابر شده است. در استان کردستان از ۷ نقطه به ۱۲ نقطه افزایش یافته است.

تصور چنین رشد کندی برای نظام شهری استان در طول یک دوره ۲۰ ساله، یعنی دوره‌های که شهرهای کشور و بسیاری مناطق آن تغییرات شتابان و بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده‌اند، یکی از بارزترین خصوصیات نظام سکونتگاهی به طور اعم و نظام سکونتگاه‌های شهری استان به طور اخص می‌باشد. لذا سازمان فضایی استان تا سال ۱۳۷۵ علی‌رغم تغییرات وسیع، از نظر ساختار فضایی نظام شهری دگرگونی‌های چندانی به خود ندیده است.

۲- شهر کرمانشاه در سه دوره یاد شده با فاصله جمعیتی قابل توجه نسبت به سایر شهرها موقعیت نخست شهری مسلط و برتری در رأس نظام شهری داشته است. این شهر در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۲۹۷ هزار، ۵۶۰ هزار و ۶۹۳ هزار نفر جمعیت داشته که شاخص نخست شهری آن به ترتیب معادل $0/80$

است. بدین ترتیب ناموزونی در بارگذاری جمعیت یا عدم تعادل در توزیع اندازه شهرها همچنان یکی از بارزترین خصیصه‌های نظام شهری استان کرمانشاه در سال ۱۳۶۵ بوده است. سایر خصلت‌های این نظام را می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

* علاوه بر ناموزونی در بارگذاری جمعیت میان شهرها، نظام توزیع جغرافیایی مراکز شهری در پهنه استان نیز تحت تاثیر وقوع جنگ با عدم تعادل‌های فضایی جدیدی مواجه شد.

* مشخصه اصلی این عدم تعادل حوزه غرب استان است که عناصر نظام شهری خود را از دست داد اما عوارض آن بیش از آنکه در نظام توزیع اندازه جمعیت شهری دیده شود در نظام توزیع فضایی مراکز شهری نمایان شد.

* با این حال وجود پدیده نخست شهری همچنان ویژگی برجسته نظام شهری استان در سال ۱۳۶۵ بوده است. درجه نخست شهری برابر شاخص چهار شهر $0/78$ و مقدار Q برابر با $2/3$ بوده که نسبت به سال ۱۳۵۵ افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. ارقام فوق برتری شهر کرمانشاه و نخست شهری در نظام توزیع اندازه شهرهای استان را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۷۵ تعداد $980/1$ میلیون نفر یا $61/7$ درصد از جمعیت استان شهرنشین شدند. در طول دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ شهرنشینی در استان با میانگین نرخ رشد $2/9$ درصد در سال افزایش یافت. شاخص عددی این رشد افزایش $276/5$ هزار نفر به جمعیت شهرنشین استان بود که ضریب شهرنشینی را از 56 درصد به $61/7$ درصد جابجا نمود ولی رشد جمعیت شهری به یکسان در همه شهرها توزیع نشد. کرمانشاه، جوانرود، کنگاور و تا حدودی روانسر از رشد جمعیتی بیشتری برخوردار بوده‌اند. لذا سهم خود از جمعیت شهرنشین استان در سال ۱۳۷۵ را تا حدودی افزایش داده‌اند. این تغییرات اگر چه جایگاه مرتبه‌ای شهرهای میانی نظام را تا حدودی جابجا کرده ولی اثرات آن در حدی نبوده که الگوی توزیع اندازه را به نفع مراکز شهری کوچک و میان‌اندام نظام شهری متحول سازد. کرمانشاه با $692/9$ هزار نفر جمعیت و 63 درصد از کل جمعیت شهری استان همچنان موقعیت بدون رقیب خود در رأس شبکه حفظ کرده است. اسلام‌آباد غرب با بیش از 81 هزار نفر جمعیت و $7/4$ درصد شهرنشین، دومین شهر استان در سال ۱۳۷۵ بوده که کمتر از $1/8$ نخست شهر نظام جمعیت داشته و بدین ترتیب از جمعیت مطلوب با کارکرد تعادل بخشی در نظام شهری، بیش از 346 هزار نفر فاصله داشته است. اندازه جمعیتی سایر شهرها به ویژه روستا - شهرهای رتبه‌های پایین که عموماً در ناحیه غربی استان مکان‌یابی شده‌اند، با ناهماهنگی شدیدی میان رتبه - اندازه،

نماید. در سال ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱۴/۸ درصد، ۱۶/۹ درصد، ۱۶/۱۱ درصد از جمعیت شهرنشین استان در آن سکونت داشته‌اند.

در ناحیه غرب استان دو حوزه شهری را می‌توان از هم متمایز کرد. حوزه شمال غرب و حوزه جنوب غرب. روانسر، جوانرود، تازه‌آباد، نوسود، نودشه، باینگان و پاوه هفت شهری هستند که در هم پیوندی کلی با هم حوزه شهری شمال غرب استان را به وجود آورده‌اند. این شهرها به صورت الگوی خطی نامنظم شکل گرفته‌اند و ساختاری متراکم دارند. فشردگی و تراکم شهری در این حوزه بیش از سایر حوزه‌هاست. عرصه تکوین شهرهای کم جمعیت و جوانی است که عمدتاً در طبقه روستا شهرها یا شهرهای کوچک استان طبقه‌بندی شده‌اند. به همین دلیل نقش چندانی در بارگذاری و تمرکز جمعیت در این بخش از استان ندارند و غالباً نقش خدمت‌رسانی برای نواحی روستایی اطراف خود را بر عهده دارند. شهر جوانرود با ۳۳/۳ هزار نفر جمعیت بزرگترین شهر این حوزه است. در سال ۱۳۷۵، ۷/۲ درصد جمعیت شهری استان در شبکه شهرهای این حوزه شهری سکونت داشته است. در حوزه جنوب غرب، بنیان‌های زندگی شهری بسیار ضعیف است و در حوزه‌بندی شهری استان، آن را می‌توان حوزه سطح چهار بشمار آورد. شبکه شهری این حوزه از پنج شهر قصر شیرین، سرپل ذهاب، کرند، گیلان‌غرب و سوما تشکیل شده که با پتانسیل جمعیتی ناچیزی در سال ۱۳۷۵ فقط ۶۶/۴ هزار نفر یا ۶/۰۲ درصد جمعیت شهری استان را در محدوده خود داشته‌اند. شهرها الگوی فضایی پراکنده‌ای دارند و در فواصل دور از هم شکل گرفته‌اند. شهرهای این حوزه نیز غالباً در رده روستا - شهرهای کوچک و کم جمعیت طبقه‌بندی شده‌اند و سوما با ۳۲۶ نفر جمعیت و سرپل ذهاب ۲۷/۴ هزار نفر جمعیت به ترتیب کوچکترین و بزرگترین شهرهای آن هستند.

در طول دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ با تبدیل ۹ نقطه روستایی به شهر و پیوستن آنها به نظام شبکه شهری تعداد شهرهای استان به ۲۸ نقطه در سال ۱۳۸۵ رسید. با افزایش تعداد نقاط شهری و رشد جمعیت در شهرهای موجود ضریب شهرنشینی از ۶۱/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۶۷/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ جابجا شد.

استان کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ دارای ۱/۲۴۱ میلیون نفر شهرنشین بوده که در ۲۸ نقطه شهری اسکان یافته‌اند. شهرها فارغ از اندازه جمعیت در نظم مکانی مناسب در پهنه استان توزیع شده‌اند. عرصه فضایی استان تقریباً به یکسان میان مراکز شهری توزیع شده و نواحی مختلف در حوزه ناحیه‌ای خود به یک یا چند شهر در اندازه‌های مختلف دسترسی دارند. به همین دلیل حوزه‌بندی‌های شهری و مرز مشخص میان حوزه‌ها که ویژگی بارز نظام شبکه

و ۰/۷۸ و ۰/۷۹ ارزیابی می‌شود. کرمانشاه با چنین جمعیتی، در رتبه‌بندی شهرهای کشور با رتبه ۷ در سال ۱۳۵۵، رتبه ۹ در سال ۱۳۶۵ و رتبه ۸ در سال ۱۳۷۵ موقعیت بالایی در مقیاس ملی داشته است. سهم جمعیت کرمانشاه از کل شهرنشینی استان در دوره‌های فوق هیچ‌گاه از ۶۲ درصد پایتتر نرفته است. اثرات ناشی از بارگذاری شدید جمعیت در مادر شهر کرمانشاه، به دنبال خود تمرکز فضایی شدیدی از فعالیت‌ها و خدمات در بخش میانی استان به وجود آورده که اثرات آن بر کل سازمان فضایی استان سایه افکنده است.

۳- شهر کرمانشاه تا سال ۱۳۶۵ مادر شهری بوده که به گونه‌ای مشخص در مقیاس ناحیه‌ای (استانی) عمل کرده است. ولی از آن پس با عبور جمعیت آن از مرز ۵۰۰ هزار نفر و پیوستن به طبقه شهرهای نیم میلیونی کشور، موقعیت و کارکرد خود به عنوان یک مادر شهر منطقه‌ای در غرب کشور را تثبیت کرد. پیامدهای فضایی ناشی از چنین رشدی از سال ۱۳۶۵ به بعد نه تنها در مقیاس استانی بلکه در مقیاس فرااستانی نیز گسترش یافت. کرمانشاه در حال حاضر ۵ برابر شهر ایلام، ۴/۲ برابر خرم‌آباد، ۷ برابر شهر سنندج و تقریباً ۲ برابر زنجان جمعیت دارد.

الگوی توزیع فضایی سکونتگاه‌های شهری استان کرمانشاه تا سال ۱۳۷۵ از نظر حوزه‌بندی شهری در چهار حوزه شکل گرفته است. حوزه میانی استان که از شهرهای کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب و رباط تشکیل شده است، الگویی خطی دارد و از شرایط مساعدی برای توسعه متصل یا پیوسته شهری برخوردار است. این حوزه با محدوده شهرستانهای کرمانشاه و اسلام‌آباد منطبق است و شهرهای آن در حوزه نفوذ مستقیم کرمانشاه قرار دارند. تمرکز جمعیت، تنوع کارکردی، مرکزیت خدماتی و نقش رهبری و سازماندهی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان از خصوصیات این حوزه شهری است. به عنوان حوزه سطح یک در سه دوره سرشماری ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۷۲ درصد، ۷۷ درصد و ۷۰/۵ درصد از جمعیت شهرنشین را در خود متمرکز کرده است. شرق استان حوزه شکلگیری مجموعه‌ای از شهرهاست که به صورت حوزه‌های نسبتاً مستقل و منسجم دیده می‌شود. صحنه، سنقر، کنگاور و هرسین مراکز شهری این حوزه هستند که در یک الگوی شعاعی در بستر جغرافیایی حوزه توزیع شده‌اند. شهر صحنه در مرکز حوزه، سنقر در شمال، هرسین در جنوب و کنگاور در شرق آن مکان‌یابی شده است. قدمت شهری، هماهنگی در منزلت سیاسی (مراکز شهرستان)، میان‌انداز بودن اندازه شهری، همگنی اجتماعی و اقتصادی و انسجام فضایی از دیگر خصوصیات بارز این حوزه شهری است. از هر نظر می‌توان آن را حوزه شهری سطح دوم استان

این سقوط بر روی نمودار رتبه - اندازه شهرها در افتادگی منحنی توزیع اندازه موجود شهرها به خوبی نمایان می‌شود. در حالی که در درون لایه‌ها توزیع اندازه شهری با شیب ملایم کاهش می‌یابد. لذا تغییرات منحنی یاد شده حالت نرمال دارد. یکی از خصوصیات این لایه‌ها نابرابری فاحش در توزیع اندازه جمعیتی آنهاست که بر اساس ضریب شهرنشینی قابل ردیابی است. کرمانشاه به تنهایی $63/2$ درصد جمعیت شهری را در خود دارد. شهرهایی لایه دوم $27/8$ درصد و لایه سوم $5/7$ درصد جمعیت شهرنشین را در حوزه خود اسکان داده‌اند. در حالی که اندازه شهری در مجموعه شهرهای لایه چهارم فقط $3/3$ درصد کل ضریب شهرنشینی استان است. این به معنای آنست که هر چه به سمت رتبه‌های پایین نظام حرکت کنیم همگنی شهرها افزایش ولی اندازه شهری آنها کاهش می‌یابد. در رتبه‌های بالای نظام تعدادی کمی شهر با اندازه بزرگ و در رتبه‌های پایین تعداد زیادی شهر با اندازه کوچک توزیع شده‌اند.

تحلیل در مقیاس خرد یا تحلیل نقطه‌ای توزیع اندازه شهری

با بررسی رتبه اندازه نظام شبکه شهری می‌توان شناخت دقیق‌تری از چگونگی توزیع اندازه شهرها در نظام شهری بدست آورد. جدول شماره یک ۲۸ نقطه شهری استان را به ترتیب جمعیت فهرست کرده است. در رأس شبکه شهر کرمانشاه در رتبه نخست با $784/6$ هزار نفر جمعیت قرار دارد. این میزان جمعیت معادل $63/2$ درصد کل جمعیت شهرنشین استان است. شاخص $63/2$ درصد از جمعیت شهری اگر چه به خودی خود بیانگر واقعیت‌های زیادی در توزیع نابرابر جمعیت میان شبکه شهری است ولی وزن این نابرابری را به ویژه زمانی می‌توان به دقت بیان کرد که در مقایسه با اندازه جمعیت سایر شهرها مورد توجه قرار گیرد. اسلام آباد غرب در مرتبه دوم $478/9$ هزار نفر جمعیت دارد. تفاوت رتبه‌ای شهرهای کرمانشاه و اسلام آباد غرب ۱ به ۲ است در حالی که اندازه جمعیتی آنها که از نظر تنوریکی بایستی نسبت ۲ به ۱ و یا مقادیر نزدیک به آن باشد شاخصی در حدود $8/8$ به ۱ را نشان می‌دهد. شاخص مشابه ملی $3/2$ است و در میان استان‌های کشور نیز بالاترین شاخص با $5/6$ به استان تهران اختصاص دارد. بدین ترتیب رشد شتابان اندازه شهری در کرمانشاه به خلاء جمعیتی عظیمی میان این شهر با سایر شهرهای نظام منجر شده که در سطح کشور نیز موقعیت منحصر به فردی دارد. شاخص کمی این خلاء برای اسلام آباد غرب در رتبه دوم معادل $302/87$ هزار نفر برآورد شده است.

شهری استان در سال ۱۳۷۵ بود، در این سال تا حدود زیادی تعدیل شده و حوزه‌ها در جهت موزونی و یکپارچگی نظام توزیع فضایی شهرها به مقدار زیادی در هم ادغام شده‌اند.

علی‌رغم موزونی در الگوی توزیع فضایی شهرها در پهنه استان، توزیع جمعیت شهرنشین میان مراکز شهری دچار عدم تعادل شدیدی است. بر اساس جایگاه شهر اول در قانده رتبه اندازه، عدم تعادل موجود در الگوی توزیع اندازه شهرهای استان را میتوان در چند سطح به شرح زیر از هم تفکیک و تحلیل کرد:

در مقیاس کلان یا تحلیل جامع توزیع اندازه شهری

اندازه جمعیت موجود نظام شهری از اندازه مطلوب آن فاصله فاحش دارد. فاصله اندازه جمعیت موجود و مطلوب در رتبه‌های بالای شبکه به مراتب بیشتر است و به سمت رتبه‌های پایین کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر شیب جمعیتی نظام شهری نسبت به شهر اول در امتداد شبکه از پایین به بالا افزایش می‌یابد. این بدان معناست که تصویر کلان توزیع اندازه شهرها در کل نظام شهری از یک الگوی دو سطحی تبعیت می‌کند. سطح نخست این الگو در شهر کرمانشاه قرار دارد و در سطح دیگر مجموعه‌ای متشکل از ۲۷ شهر دیده می‌شود که به رغم تعداد قابل توجه، نسبت به تک شهر سطح اول اندازه جمعیتی به مراتب کمتری دارند. شهر کرمانشاه به تنهایی $1/7$ برابر ۲۷ شهر استان جمعیت دارد. شهرهای سطح دوم اگر چه تفاوت‌هایی در اندازه میان خود دارند که در مواردی نیز قابل توجه است لیکن گسست جمعیتی عظیمی که آنها را از کرمانشاه جدا کرده، نزدیکی و همگرایی آنها را سبب شده و در نمودار توزیع اندازه آنها پیوستگی قابل توجهی ایجاد کرده است. این الگوی دو سطحی نابرابر، بارزترین و بدیهی‌ترین ویژگی کلان نظام توزیع اندازه شهرها در استان کرمانشاه است.

تحلیل در مقیاس متوسط

در الگوی توزیع اندازه نظام شهری استان از رأس نظام به سمت مراتب پایین چند لایه از توزیع اندازه قابل تشخیص است. کرمانشاه به عنوان لایه نخست با اندازه جمعیت فوق‌العاده بزرگ به وضوح از سایر لایه‌ها قابل تفکیک است. لایه دوم از شهر اسلام آباد غرب آغاز و تا شهر صحنه ادامه می‌یابد. لایه سوم با شهرهای پاوه، گیلان غرب، روانسر و قصر شیرین منطبق است و لایه چهارم سایر نقاط شهری استان از کردنگر تا سومار (۱۶ نقطه شهری) را دربرمی‌گیرد. چنانچه شهر کرمانشاه را به دلیل برتری اندازه در نظام شهری از سایر لایه‌ها مستثنی کنیم، مشخصه این لایه‌ها در مرز میان آنها قابل مشاهده است که اندازه جمعیت به یکباره و به طور ناگهانی به نصف اندازه آخرین شهر لایه فوقانی خود سقوط می‌کند.

جدول شماره (۱): سلسله مراتب فضایی شهرهای استان کرمانشاه بر اساس قاعده رتبه - اندازه - ۱۳۸۵

ردیف	نام شهر	جمعیت	درصد از کل جمعیت شهری استان	رتبه مطلوب بر اساس جمعیت موجود	مقدار q	جمعیت مطلوب بر اساس رتبه موجود
۱	کرمانشاه	۷۸۴,۶۰۲	۶۳/۲۲	-	-	-
۲	اسلام آباد غرب	۸۹,۴۳۰	۷/۲۱	۸/۷۷	۳/۱	۳۹۲,۳۰۱
۳	هرسین	۵۱,۵۶۲	۴/۱۵	۱۵/۲۲	۲/۵	۲۶۱,۵۳۴
۴	کنگاور	۴۸,۹۰۱	۳/۹۴	۱۶/۰۴	۲	۱۹۶,۱۵۱
۵	سنقر	۴۳,۱۸۴	۳/۴۸	۱۸/۱۷	۱/۸	۱۵۶,۹۲۰
۶	جوانرود	۴۳,۱۰۴	۳/۴۷	۱۸/۲۰	۱/۶	۱۳۰,۷۶۷
۷	سرپل ذهاب	۳۴,۶۳۲	۲/۷۹	۲۲/۶۶	۱/۶	۱۱۲,۰۸۶
۸	صحنه	۳۴,۱۳۲	۲/۷۵	۲۲/۹۹	۱/۵	۹۸,۰۷۵
۹	پاوه	۱۹,۷۷۴	۱/۵۹	۳۹/۶۸	۱/۷	۸۷,۱۷۸
۱۰	گیلان غرب	۱۹,۴۳۱	۱/۵۷	۴۰/۳۸	۱/۶	۷۸,۴۶۰
۱۱	روانسر	۱۶,۳۸۳	۱/۳۲	۴۷/۸۹	۱/۶	۷۱,۳۲۷
۱۲	قصر شیرین	۱۵,۴۳۷	۱/۲۴	۵۰/۸۳	۱/۶	۶۵,۳۸۴
۱۳	کرنه غرب	۷,۸۹۴	-/۱۶۴	۹۹/۳۹	۱/۸	۶۰,۳۵۴
۱۴	تازه آباد	۷,۴۷۹	۰/۶	۱۰۴/۹۱	۱/۸	۵۶,۰۴۳
۱۵	گهواره	۴,۷۰۸	۰/۳۸	۱۶۶/۶۵	۱/۲	۵۲,۳۰۷
۱۶	کوزران	۳,۷۵۹	۰/۳	۲۰۸/۳۷	۱/۹	۴۹,۰۳۷
۱۷	نودشه	۳,۵۴۸	۰/۲۹	۲۲۱/۱۴	۱/۹	۴۶,۱۵۳
۱۸	سرمست	۲,۴۳۴	۰/۲	۳۲۲/۳۵	۲	۴۳,۵۸۹
۱۹	بیستون	۲,۰۷۵	۰/۱۷	۳۷۸/۱۲	۲	۴۱,۲۹۵
۲۰	باینگان	۱,۶۳۴	۰/۱۳	۴۸۰/۱۷	۲/۱	۳۹,۲۳۰
۲۱	نوسود	۱,۵۶۲	۰/۱۳	۵۰۲/۳۱	۲/۱	۳۷,۳۶۲
۲۲	حمیل	۱,۳۰۳	۰/۱۰	۶۰۲/۱۵	۲/۱	۳۵,۶۶۴
۲۳	سطر	۱,۲۸۴	۰/۱۰	۶۱۱/۰۶	۲/۱	۳۴,۱۱۳
۲۴	رباط	۹۹۶	۰/۰۸	۷۸۷/۷۵	۲/۱	۳۲,۶۹۲
۲۵	ازگله	۹۳۹	۰/۰۸	۸۳۵/۵۷	۲/۱	۳۱,۳۸۴
۲۶	میان راهان	۴۸۹	۰/۰۴	۱۶۰۴/۵۰	۲/۳	۳۰,۱۷۷
۲۷	هلشی	۴۵۷	۰/۰۴	۱۷۱۶/۸۵	۲/۳	۲۹,۰۵۹
۲۸	سومار	۲۰	۰/۰	۳۹۲۳۰/۱۰	۳/۱	۲۸,۰۲۲
	جمع	۱۲۴۱۱۵۳	-	-	-	-

ماخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، نتایج استان کرمانشاه، مرکز آمار ایران

شهر کرمانشاه از لحاظ ساخت دادن به این بخش از سرزمین ایران، به دلیل وزنه خود و دورافتادگی‌اش از دامنه نفوذ تهران و موقعیت جغرافیایی‌اش در چهارراه خوزستان، آذربایجان و تهران - بغداد از اهمیتی استثنائی برخوردار است.

* علاوه بر آن کرمانشاه از شهرهای منزلگاهی در مسیر راه‌های شرقی - غربی کشور در جهت تهران - بغداد و راه‌های شمالی - جنوبی در جهت تبریز - اهواز است.

* دانشگاه در دست ساختمان، خدمات اداری استان، دفاتر منطقه‌ای وزارتخانه‌ها و فعالیت‌های نظامی مجموعاً این شهر را به صورت قطبی بزرگ از بخش سوم و مدیریت منطقه‌ای در آورده است.

* منحنی ظرفیت شهر در حال گسترش است. کارخانه قند و تصفیه شکر، آردسازی، ایجاد ناحیه صنعتی، توسعه فعالیت‌های انبارداری، صنایع دستی و صنایع کوچک مستقر در حاشیه راه سنندج - همدان را می‌توان در زمره این فعالیت‌ها برشمرد.

در طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی، شهر کرمانشاه در میان یکی از ۱۴ شهر اصلی کشور طبقه‌بندی شد تا پس از تهران عملکرد سطح نخست از نظر جمعیت و فعالیت را ایفاء نمایند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ۶۵). در نظام سلسله مراتب پیشنهادی طرح کالبدی ملی شهر کرمانشاه به عنوان مرکز منطقه زاگرس با نقش فرمانطقه‌ای ویژه معرفی شده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۵، جلد اول، ۲۰). ایجاد مراکز تخصصی و گسترش فعالیت‌های ویژه و برتر در راس برنامه‌های پیشنهادی این طرح‌ها قرار داشت.

طرح‌های جامع توسعه استان و آمایش سرزمین مرحله سوم نیز با الهام از نظام سطح‌بندی طرح‌های قبلی به ویژه طرح کالبدی ملی و با تأکید بر مرکزیت منطقه‌ای کرمانشاه به عنوان یکی از شهرهای اصلی، این شهر را در میان مراکز سطح نخست جمعیت و فعالیت کشور طبقه‌بندی کردند (جدول ۲).

پیامد اجتناب‌ناپذیر موقعیت سکونتگاهی شهر کرمانشاه در نظام سطح‌بندی طرح‌های منطقه‌ای توسعه مراکز مختلف فعالیت و خدمات و زیرساختهاست که از طریق همین طرح‌ها برای تحقق اهداف فوق در قالب سیاست‌های اجرایی طراحی و پیشنهاد شده‌اند. این سیاست‌ها را در مجموع می‌توان در سه بخش جمعیت و سکونت، خدمات و فعالیت و زیرساخت‌ها (جدول شماره ۳) تبیین و تحلیل نمود.

تا اواسط دهه پنجاه که طرح‌های بتل مموریان و ستیران (آمایش مرحله اول) تهیه شدند، رویکرد اصلی حاکم بر سیاستگذاری توسعه منطقه‌ای در ایران تمرکززدایی در مقیاس ملی (تمرکززدایی از تهران) بود. به همین دلیل در مقیاس منطقه‌ای رهیافت‌های اصلی

پس از تاسیس سازمان برنامه و بودجه در اواخر دهه ۱۳۲۰ برنامه‌های عمران شهری و ناحیه‌ای شکل سازمان‌یافته به خود گرفت. از این پس برنامه‌های توسعه و عمران بارویکرد عمدتاً بخشی برای کشورتپیه و اجرا شد. طی این برنامه‌ها تا قبل از دهه ۵۰ بخش مهمی از واحدهای صنعتی و تولیدی، زیرساخت‌ها و خدمات در شهر کرمانشاه استقرار یافت و موقعیت این شهر را در سطح استان و تا حدودی منطقه ارتقاء داد. با این حال این برنامه عمدتاً برخاسته از نیازهای شهرنشینی در حال رشد بود و با رویکرد اساساً بخشی در مقیاس شهر و استان اهمیت داشت.

در اواخر برنامه چهارم توسعه ضرورت تهیه طرح‌های منطقه‌ای برای تعدیل نابرابری‌های ناحیه‌ای در کشور احساس شد. طرح مطالعات جامع توسعه اقتصادی اجتماعی کشور توسط «گروه بتل مموریان» نخستین پاسخ نظام برنامه‌ریزی به این نابرابری‌ها در قالب طرح‌های منطقه‌ای بود. از مهمترین اولویت‌های این طرح ارائه برنامه‌هایی بود که از یک سوی موجب تأمین حداکثر اشتغال و از سوی دیگر موجب بهره‌برداری از منابع طبیعی و انسانی در هر منطقه شود. در این طرح شهر کرمانشاه به عنوان مرکز منطقه غرب کشور (منطقه دهم) معرفی شد (صرافی، ۱۳۷۷، ۷۵). دارا بودن سابقه مرکزیت، بالا بودن جمعیت و برخوردار بودن نسبی از خدمات و امکانات از جمله دلایلی است که در توجیه این انتخاب در طرح بتل مموریان مطرح شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱، ۱۲). پس از طرح بتل مموریان در اواسط دهه پنجاه مسئله مهم در توسعه منطقه‌ای کشور لزوم سازماندهی فضایی نظام سکونتگاهی از نظر جمعیت و فعالیت بود. بررسی طرح‌های منطقه‌ای پس از آن نیز به خوبی نشان می‌دهد که اعمال سیاست «نظام سلسله مراتب شهری» عمده ترین سیاست طرح‌های منطقه‌ای بوده است (جدول شماره ۳).

در گزارش توجیهی طرح ستیران برای نظام سلسله‌مراتبی شهرهای کشور شهر کرمانشاه در میان شهرهای سطح یک جمعیت و فعالیت پس از تهران، به عنوان پایتخت منطقه‌ای جدید (فرهاد، ۱۳۸۷، ۸۰) معرفی شده است. مهمترین دلایل این انتخاب در موارد زیر بیان شده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۶، ۱۸۸ - ۱۸۹ و ۳۳۳). * موقعیت منطقه‌ای: در غرب کشور در دامنه‌های زاگرس جمعیت مهمی در پیرامون شهرهای متوسط زندگی می‌کند. هیچ یک از شهرهای مذکور تاکنون نتوانسته است به عنوان یک مرکز متحدکننده روستاهای اطراف خودنمایی کند. در مقابل شهری چون همدان به علت نزدیکی نسبی به تهران در تنگنا است و اکنون در نوعی رکود به سر میبرد. تقویت شبکه حوزه‌های شهری این بخش از کشور برای جلوگیری از گسیختگی فضا ضروری است.

جدول شماره (۲): جایگاه شهر کرمانشاه در سلسله مراتب تقسیمات کالبدی نظام سکونتگاهی طرح‌های منطقه‌ای

طرح	بتل ممورین	ستیران (آمایش اول)	پایه آمایش سرزمین (مرحله دوم)	کالبدی ملی	مطالعات جامع استان	آمایش سرزمین (مرحله سوم)
شهر کرمانشاه	مرکز منطقه دهم	پایتخت منطقه ای جدید	یکی از ۱۴ شهر اصلی (سطح اپس از تهران)	مرکز منطقه زاگرس	مرکز با عملکرد فرا استانی (سطح جمعیت و فعالیت)	مرکز منطقه

ماخذ: استخراج، تدوین و جمع‌بندی از مجموعه گزارش‌های طرح‌های منطقه‌ای

آمایش بود در همین زمان تهیه شد. در این طرح به موازات سیاست‌هایی که ساختار جمعیت، فعالیت و خدمات و زیرساختها را در بزرگترین قطب شهری منطقه یعنی شهر کرمانشاه همچنان تقویت می‌کرد، افزایش جمعیت و توسعه فعالیت در شهرهای میانی (شهر اسلام آباد) نیز مورد توجه قرار گرفت (جدول ۳) و این اساساً مهم‌ترین واکنش طرح‌های منطقه‌ای به مسأله منطقه‌ای یعنی تمرکزگرایی یا عدم تعادل ایجاد شده در سلسله مراتب فضایی نظام شهری به شمار می‌رود. با این حال سیاست توسعه زیر ساخت‌ها همچنان هم‌پیوندی میان مراکز منطقه‌ای با مرکز ملی یا ایجاد انسجام در پیکره کلان نظام سکونتگاهی را دنبال می‌کرد و تقویت ارتباطات در نظام شبکه شهری در مقیاس ناحیه‌ای چندان مورد توجه نبود (جدول ۳). صنعتگرایی توسعه منطقه‌ای به ویژه در قطب شهری منطقه‌ای با تکیه بر صنایع بزرگ و ملی بیش از پیش تقویت شد.

سیاست اجرایی طرح کالبدی ملی و طرح مطالعات جامع توسعه استان محورهای جدیدی را در تداوم همین رویکرد مطرح کرد. به موازات سیاست‌های تمرکزگرایی جمعیت، فعالیت و زیرساخت‌ها در قطب منطقه‌ای کرمانشاه (سطح نخست جمعیت و عملکرد) تقویت مراکز فرعی رشد یا شهرهای میانی به عنوان سطح دو جمعیت و فعالیت (عملکرد ناحیه‌ای) با هدف تعادل بخشی در نظام توزیع اندازه شهرها به صورت مشخص مورد توجه قرار گرفت (جدول ۳). تمرکززدایی از شهر کرمانشاه از طریق احداث شهرهای جدید و افزایش تعداد شهرهای شبکه شهری استان در طرح جامع توسعه استان و تقویت شبکه‌های ارتباطی منتهی به مراکز شهری در طرح کالبدی ملی (جدول ۳) نمود مشخص سیاست فوق بوده که در همین راستا مطرح شدند. با این حال نخست شهری با شاخص ۷۸/۰ و ۷۹/۰ در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ همچنان ویژگی بارز سلسله مراتب فضایی نظام شهری در استان کرمانشاه باقی ماند و این شاخص تفاوت مثبت و محسوس با گذشته‌های خود نداشت. سیاست تمرکززدایی از قطب رشد منطقه‌ای از یکسوی و سیاست تقویت مراکز رشد فرعی از سوی دیگر در میان مجموعه مصوبات و

و کلیدی در همه عرصه‌ها (سطح‌بندی جمعیت، نظام فعالیت و زیرساخت‌ها) عمدتاً متوجه توسعه قطب‌ها و کانون‌های منطقه‌ای بوده تا بخشی از نقش و عملکرد کلان شهر ملی را در مقیاس منطقه‌ای برعهده گیرند. طبقه‌بندی کرمانشاه در میان شهرهای اصلی کشور پس از تهران، توسعه فضاهای خدماتی برای بارگذاری خدمات عالی و تخصصی و توسعه تأسیسات زیربنایی به ویژه راه‌های ورودی و فرودگاه در این شهر (جدول ۳) از همین منظر و برای تمرکززدایی از تهران مطرح شدند. نقش صنعتگرایی طرح‌های منطقه‌ای در سایه ضرورت‌های تمرکززدایی خدماتی و ضرورت توزیع خدمات عالی و برتر در خارج از تهران، محدود به پیشنهاد احداث شهرک‌های صنعتی و توسعه مراکز صنعتی است. در واقع طرح‌های توسعه منطقه‌ای تا این زمان به بهانه تمرکززدایی از تهران در مقیاس ملی، خود در مقیاس منطقه‌ای به شدت تمرکزگرا شدند. نقش تمرکزگرایی این طرح‌ها از نظر فضایی شهرگرا و عمدتاً متوجه رأس نظام شبکه شهری یا بزرگترین قطب شهری منطقه و از نظربخشی نیز اساساً خدمات محور بود و به بازتوزیع فضایی فعالیت‌های خدماتی از طریق بزرگترین قطب شهری در مقیاس منطقه‌ای نظر داشت. بدین ترتیب دیدگاه‌های توسعه منطقه‌ای که در خاستگاه تئوریک خود ماهیتی شهری - صنعتی دارند در ایران و براساس تجربه کرمانشاه در اجرا حداقل در مراحل اولیه ماهیتی شهری - خدماتی پیدا کردند.

سیاست‌های تمرکزگرایی و توسعه قطبی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در اواخر دهه پنجاه آثار و عوارض خود را در نابرابری یا عدم تعادل سازمان فضایی نظام سکونتگاهی به طوراعم و نظام شهری مناطق کشور به طور اخص آشکار ساخت. این عدم تعادل را می‌توان شکل تعمیم یافته مسأله ملی (تمرکزگرایی در تهران) در سطح مناطق دانست. شاخص نخست شهری ۸۰/۰ (مقدار Q برابر ۹۰/۱) در کرمانشاه در سال ۱۳۵۵ که از شاخص مشابه ملی به مقدار زیادی بالاتر است خودگویای همین واقعیت است.

طرح آمایش سرزمین اسلامی که دومین مرحله آمایش سرزمین پس از ستیران و اولین تجربه جمهوری اسلامی در برنامه

جدول شماره (۳): سیاست‌های اجرایی و راهکارهای پیشنهادی طرح‌های منطقه‌ای برای نظام شهری کرمانشاه

عنوان طرح	جمعیت و سکونت	خدمات و فعالیت	زیرساخت‌ها
مطالعات جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی (موسسه بتل مموریان)	شهر کرمانشاه به عنوان یکی از شهرهای اصلی و مرکز منطقه دهم کشور	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز سطح یک پیشنهاد توسعه فضاهای خدماتی پیشنهاد احداث شهرک صنعتی و توسعه واحدهای تولیدی و صنعتی	تکمیل و توسعه تاسیسات و تجهیزات زیربنایی
آمایش سرزمین (ستیران)	شهر کرمانشاه به عنوان سطح یک جمعیت پس از تهران شهر کرمانشاه به عنوان یکی از ۱۲ شهر اصلی کشور شهر کرمانشاه به عنوان پایتخت جدید منطقه ای	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز سطح یک فعالیت پس از تهران تقویت و توسعه خدمات عالی و تخصصی انتقال برخی از دستگاه‌های اداری و خدمات سطح ملی به کرمانشاه توسعه مراکز صنعتی ایجاد مراکز صنعتی در حومه شهر	پیشنهاد توسعه تاسیسات و تجهیزات زیربنایی گسترش شبکه راهپهای ارتباطی به ویژه ورودی های شهر توسعه و تجهیز فرودگاه
آمایش سرزمین اسلامی (مرحله دوم)	شهر کرمانشاه مرکز جمعیتی سطح یک پس از تهران شهر کرمانشاه به عنوان یکی از ۱۴ شهر اصلی کشور شهر اسلام آباد به عنوان شهر متوسط	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز خدمات سطح یک تقویت نقش شهر به عنوان مرکز فعالیت سطح یک توسعه مراکز صنعتی (با عملکرد ملی) در شهر کرمانشاه گسترش خدمات و فعالیت های جدید در شهر اسلام آباد غرب پیشنهاد احداث شهرک صنعتی	تقویت محور ارتباطی تهران - بغداد تقویت امکانات ارتباطی با مرکز کشور
طرح کالبدی ملی ایران	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز منطقه زاگرس شهرهای اسلام آباد و پایه به عنوان مراکز فرعی	ایجاد مراکز خدمات ویژه و تخصصی در شهر کرمانشاه شهر کرمانشاه به عنوان مرکز عملکرد فرمانطقه ای ویژه	تقویت شبکه های ارتباطی منتهی به مراکز شهری
مطالعات جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز جمعیتی سطح یک شهرهای اسلام آباد غرب، سرپل ذهاب، پایه، سنقر، جوانرود، هرسین، صحنه و کنگاور به عنوان شهرهای میانی تمرکز زدائی از شهر کرمانشاه ایجاد شهرهای جدید افزایش تعداد شهرهای شبکه شهری استان	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز خدمات سطح یک با عملکرد فرآستانی شهرهای میانی به عنوان مراکز خدمات سطح دو با عملکرد ناحیه ای توسعه پروژه های عمران و خدمات شهری	توسعه و تکمیل تاسیسات و تجهیزات شهری
آمایش سرزمین (مرحله سوم)	شهر کرمانشاه به عنوان مرکز جمعیتی سطح یک شهر کرمانشاه به عنوان یکی از شهرهای بزرگ و مرکز منطقه	ارائه خدمات سطح یک و برتر (ملی و فراملی) توسط شهر کرمانشاه ارائه خدمات ناحیه ای توسط شهرهای متوسط توسعه صنعتی به ویژه نفت، پتروشیمی، ساخت قطعات خودرو، غذایی و صنایع تبدیلی ایجاد منطقه ویژه اقتصادی و پارک علمی و فن آوری در شهر کرمانشاه توسعه و تجهیز پالایشگاه نفت	ایجاد خط آهن و توسعه شبکه بزرگراهی به ویژه در مرکز استان توسعه فرودگاه در حد بین المللی توسعه شبکه های ارتباطی منتهی به شهر قصرشیرین به عنوان مبادی ورود و خروج

ماخذ: استخراج، تدوین و جمع‌بندی از مجموعه گزارش‌های طرح‌های منطقه‌ای

با پیدایش و تشدید عدم تعادل‌های فضایی در ساختار نظام شهری مناطق به ویژه در حوزه شکل‌گیری قطب رشد‌های شهری منطقه‌ای، به موازات مساله ملی (تمرکز در فضای ملی) لاجرم مساله منطقه‌ای (تمرکز در فضای منطقه‌ای) نیز مورد توجه طرح‌های توسعه منطقه‌ای قرار گرفت. این تغییر رویکرد (براساس نمونه کرمانشاه) در سیاست‌گذاری طرح‌های منطقه‌ای پس از دهه پنجاه به دو شکل منعکس شد. نخست ضرورت سلسله مراتبی کردن نظام فضایی توزیع اندازه نظام شهری از طریق تقویت (جمعیت، فعالیت و نه الزاماً زیرساخت‌ها) مراکز فرعی رشد یا سطح دو جمعیت و فعالیت (شهرهای کوچک و میانی) و احداث شهرهای جدید برای تحکیم و تقویت نظام شبکه که نوعی تمرکززدایی از قطب رشد منطقه‌ای (کرمانشاه) به شمار می‌رود. دیگری صنعتگرایی توسعه منطقه‌ای به ویژه در قطب رشد منطقه‌ای بود که ماهیت عمدتاً بخشی دارد ولی با تأثیرگذاری ضعیف در رابطه میان مرکز و پیرامون اثرات رشد را در سایر بخش‌ها و فضاهای پیرامون منتشر نکرد و تمرکزگرایی بیشتر در سازمان فضایی نظام شهری، ناموزونی در توزیع اندازه شهرها و افزایش شاخص نخست شهری خود گواهی بر این مدعا است.

تغییر در رویکرد و سیاست‌گذاری طرح‌های منطقه‌ای از نظر فضایی (تمرکززدایی از قطب رشد منطقه‌ای و تقویت مراکز فرعی رشد) و بخشی (صنعت گرایی قطب رشد‌های منطقه‌ای) خود گواهی است بر این واقعیت که سیاست تمرکزگرایی و توسعه قطبی برنامه‌ریزی منطقه‌ای که برآمده از دیدگاه‌های کلاسیک توسعه منطقه‌ای است چه در شکل شهری - خدماتی و چه شهری - صنعتی در کشوری با شرایط ایران حتی در مراحل متاخرتر توسعه با آثار چندانی برای رخنه به فضاهای پایین و پیرامون همراه نبوده است. تمرکز در سازمان فضایی نظام شهری و سکونتگاهی در مقیاس ملی و منطقه‌ای مهمترین شاخص و بارزترین نمود این ناهمگونی است. توسعه منطقه‌ای از طریق تقویت قطب رشد‌های منطقه‌ای حتی در صورت تکوین نطفه‌های رشد یا تحریک آن در نقاط و نواحی پیرامون، با دامن زدن بر نابرابری فضایی در نظام توزیع اندازه شهرها و سکونتگاه‌های شهری، برای توسعه و تعادل منطقه‌ای نیز موانع جدی به وجود می‌آورد.

طرح‌های منطقه‌ای که از مهم‌ترین اهرم‌های تأثیرگذار بر نظام شهری هستند در مراحل مختلف با مداخلت دولت و مداخله دستگاه‌های دولتی انجام می‌شوند. فرایند اجرایی این طرح‌ها در چهار مرحله انجام می‌شود: مرحله تصمیم‌گیری و ارجاء طرح، مرحله تهیه طرح، مرحله تصویب طرح و در نهایت مرحله اجرای طرح. به جزء مرحله تهیه که برعهده مرجع غیردولتی یعنی مهندسان

سیاست‌های اجرایی طرح‌های منطقه‌ای کشور به خوبی نشان می‌دهد برخلاف مبانی فکری دیدگاه‌های کلاسیک توسعه منطقه‌ای (دیدگاه‌های توسعه از بالا به پایین) اصل رخنه به پایین یا پیدایش قطب رشد‌های ثانویه برای تبدیل قطبش فضایی به انتشار فضایی در فضای سکونتگاهی حتی در مراحل متاخرتر توسعه اتفاق نمی‌افتد. شاخص نخست شهری ۸۱/۰ در نمونه کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ یکی از نمونه‌هایی است که اثرات بیش از نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طریق قطب رشد منطقه‌ای را بدین گونه در ساختار فضایی نظام شهری منعکس می‌سازد.

طرح آمایش سرزمین مرحله سوم کشور (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) با قبول همین ناکامی به عنوان یکی از واقعیت‌های فضای سرزمینی کشور، تمرکزگرایی و توسعه قطب رشد منطقه‌ای را در رأس سیاست‌های جمعیتی، خدمات و فعالیت و خط‌مشی‌های زیرساختی آن در کرمانشاه قرار داده و بدین ترتیب ضرورت‌های تعادل بخشی نظام شهری ناحیه‌ای را فدای ملاحظات ساماندهی نظام سکونتگاهی در مقیاس ملی کرده است. تمرکز خدمات برتر با برد ملی و فراملی، توسعه صنایع سنگین و بزرگ، ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در کرمانشاه، توسعه خطوط آهن و شبکه‌های بزرگراهی و ارتقاء فرودگاه شهر در حد بین‌المللی (جدول ۳) از جمله شواهد این جهت‌گیری در طرح آمایش سرزمین مرحله سوم است که با دامن زدن به نابرابری توزیع اندازه شهرها در نظام شهری، بیش از پیش به ناپایداری نظام سکونتگاهی می‌افزاید و از این طریق توسعه منطقه‌ای را نیز با موانع جدی مواجه می‌سازد.

نتیجه‌گیری

رویکرد حاکم بر توسعه منطقه‌ای در ایران تا اواخر دهه پنجاه تمرکززدایی در فضای ملی از طریق کاهش انحصار عملکردی به ویژه عملکرد خدماتی تهران و تمرکز آن در بزرگترین شهر مناطق کشور (قطب رشد‌های شهری - منطقه‌ای) بود که بدون جامع‌نگری و غالباً براساس اندازه جمعیت و موقعیت ارتباطی مکان‌یابی می‌شدند. حاصل این سیاست پیدایش قطب رشد‌های شهری - خدماتی در برخی مناطق بود که کرمانشاه یکی از نمونه‌های برجسته آن در غرب کشور است. در واقع قطب رشد‌های منطقه‌ای در وهله نخست پاسخی به مساله ملی یعنی تمرکز در فضای ملی بودند تا توسعه منطقه‌ای یا کاهش نابرابری منطقه‌ای در ایران. به همین دلیل با ایجاد تمرکز در فضای منطقه‌ای ساختار فضایی نظام سکونتگاهی به طور اعم و نظام شهری مناطق به طور اخص را با عدم تعادل‌های جدیدی مواجه ساختند. به موازات تمرکز در مقیاس ملی تمرکز در مقیاس منطقه‌ای نیز نمایان شد.

راهکارها

پایداری نسبی توسعه فضایی شهر کرمانشاه

شبکه شهری استان کرمانشاه به شدت نامتعادل است و تمرکز بالای جمعیت و فعالیت‌ها در شهر کرمانشاه عامل اصلی قطبی شدن این شبکه و عدم تعادل در آن است. به همین دلیل برای تعادل بخشی در نظام شهری استان در وهله نخست باید سیاست پایداری نسبی توسعه فضایی شهر کرمانشاه از طریق راهکارهای زیر اجرا شود:

* محدودسازی گسترش بافت کالبدی - فضایی شهر با اعمال دقیق ضوابط و مقررات تثبیتی به ویژه در اراضی پیرامون شهر از طریق طرح جامع شهر

* سطح‌بندی نظام خدماتی، تقویت زیرساخت‌های شهری و تولید فرصت‌های شغلی در سایر شهرهای استان به ویژه شهرهای کوچک و متوسط

کنترل شهرنشینی در حوزه میانی استان

علاوه بر کرمانشاه موقعیت شهر اسلام آباد غرب یعنی دومین شهر پرجمعیت در بخش میانی استان، بر تمرکز فضایی جمعیت و فعالیت در این بخش از استان به شدت افزوده است. تبعات ناشی از همجواری مکانی شهرهای کرمانشاه و اسلام آباد در بخش میانی، موقعیت ویژه‌ای به این ناحیه بخشیده است. بازتاب این ویژگی تمرکز فضایی و تحرک اجتماعی - اقتصادی وسیعی است که ناحیه میانی استان را از نواحی پیرامون آن متمایز کرده و بدین ترتیب پیکره فضایی استان را به نواحی فعال و کم فعال تقسیم کرده است. دو شهر کرمانشاه و اسلام آباد در سال ۱۳۸۵ بیش از ۷۰ درصد شهرنشینی را در این ناحیه متمرکز کرده که در مقیاس استانی نوعی فوق تمرکز مکانی جمعیت شهری به شمار می‌رود.

شهر اسلام آباد مهم‌ترین مبادی ورودی و خروجی ارتباطات منطقه‌ای کرمانشاه با استان‌های ایلام و لرستان و سفرهای برون مرزی به همسایه غربی است. در امتداد محوری که این شهر را به کرمانشاه متصل می‌کند به تدریج تعداد زیادی مراکز خدماتی، تاسیسات کارگاهی، واحدهای تولیدی و مراکز سکونت‌مکان‌یابی شده و بدین ترتیب شرایط مساعدی را برای پیدایش یک تجمع شهری کریدوری شکل در این محور بوجود آورده است. در حد فاصل میان کرمانشاه و اسلام آباد، شهر رباط شکل گرفته که با هزار نفر جمعیت تقریباً نقشی در بارگذاری جمعیت در ناحیه مرکزی ندارد ولی موقعیت آن به عنوان یک شهر بین راهی واقع در حد فاصل دو قطب جاذب شهری، از طریق تمرکز جمعیت، اسکان سرریزهای جمعیتی و خدمات رسانی میان راهی، می‌تواند کارکرد

مشاور است در سایر مراحل فرایند عملیاتی این طرح‌ها با مداخله دولت و مباشرت دستگاه‌های دولتی سازماندهی می‌شود؛ دولت به عنوان مرجع تصمیم‌گیرنده یا ارجاء‌دهنده طرح به مشاور، مرجع تصویب کننده و نهایتاً مرجع اجراکننده طرح نقش بارزی در فرایند عملیاتی طرح‌های شهری و منطقه‌ای بر عهده دارد.

طرح‌های منطقه‌ای که در نهایت در قالب چند جلد گزارش مصوب تهیه می‌شوند حاوی مجموعه‌ای از پروژه‌ها و برنامه‌های پیشنهادی است که استراتژی‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را طراحی و پیش‌بینی می‌کنند. اینگونه برنامه‌ها یا استراتژی‌های پیشنهادی اگرچه در نواحی مختلف متناسب با فلسفه شهرنشینی، الزامات نظام شهری و اهداف نیروهای مسلط از شکل‌دهی به سازمان فضا متفاوت است ولی همواره نیروی محرک بخش مهمی برای تحول نظام شهری در همه ابعاد و هدایت آن به سوی یک نظام موزون و متعادل یا قطبی و متمرکز فراهم می‌آورد. لذا طرح‌های شهری - منطقه‌ای به عنوان یکی از ابزارها و اهرم‌های کنترل کننده شهر و نظام شهری، در این زمینه ابتکار عمل وسیعی در اختیار دولت قرار می‌دهد. بدین معنا که دولت از طریق این طرح‌ها قادر است نقش‌آفرینی قابل توجهی در سازماندهی فضا و تغییر و بازآفرینی فضاهای شهری اعمال نماید که به نوبه خود سهم بسزایی در چهره‌پردازی فضا و تولید فضاهای شهری جدید ایفاء می‌کند. دقیقاً از همین منظر است که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اهرم‌های تمرکززدایی در فضای ملی و منطقه‌ای کماکان در دستان دولت قرار دارد. عرصه نقش‌آفرینی دولت در ساماندهی و تعادل بخشی ساختار فضایی نظام شهری استان کرمانشاه را می‌توان در تدوین راهکارهای قابل طرح که خود برآمده از چند گرایش عمده در الگوی شهرنشینی استان است، به شرح زیر بیان نمود:

گرایشها

* اندازه شهر کرمانشاه به شدت از سایر شهرهای استان فاصله گرفته و موقعیت خود به عنوان یک نخست شهر برتر و مسلط را در سطح استان و منطقه تثبیت کرده است.

* به همین دلیل میان اندازه مطلوب شهرها و جمعیت موجود آنها فاصله بسیار زیادی به وجود آمده که شاخص نخست شهری ۸۱، بیانگر آن است.

* رشد روستا - شهرها به عنوان گرایش اصلی الگوی شهرنشینی استان آرایش فضایی شهرها را در پهنه استان موزون کرده اما تاثیر چندانی در تعادل الگوی توزیع اندازه نظام شهری نداشته است.

منابع

- اعتماد، گیتی (۱۳۶۳) شبکه شهری ایران، شهرنشینی در ایران، آگاه، تهران (ص ۷۵-۱۶۲) .

- اکبری، نعمت الله، عسگری، علی و فرمند، شکوفه (۱۳۸۵) تحلیل توزیع اندازه شهرها در سیستم شهری ایران، پژوهش های اقتصادی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۵، پژوهشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران (صفحات ۸۳-۱۰۴) .

- امکچی، حمیده (بی تا) شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران .

- بهفروز، فاطمه (۱۳۷۱) تحلیلی نظری - تجربی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۲۸، سال بیست و چهارم، فروردین ۱۳۷۱، موسسه جغرافیا، دانشگاه تهران (ص ۷-۸۶) .

- پاتر، رابرت و سلی لوید، ایوانز (۱۳۸۴) شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراندوست و همکاران، سازمان شهرداریها و همبازیهای کشور، تهران .

- تالشی، مصطفی، علی اکبری، اسماعیل و پناهی جلودار، قربان (۱۳۹۱) تغییرات نظام سلسله مراتب شهری در استان اردبیل در دوره ۱۳۶۵ - ۱۳۸۵، جغرافی، سال دهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۱، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، (صفحات ۷۵-۹۹) .

- تولایی، سیمین و خزایی، ام البنین (۱۳۸۵) الگوی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری استان مازندران، جغرافیا، سال چهارم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، چاپ ۱۳۸۸، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، (صفحات ۱۲۵-۱۴۲) .

- چاوشی، اسماعیل (۱۳۷۳) شهرنشینی و شبکه شهری سیستان و بلوچستان، رساله دکتری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران .

- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۴) بررسی تحلیل و ارائه الگویی برای نظام شهری استان خوزستان، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۲۳، سال ۱۳۸۴، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران .

- رفیعیان، مجتبی (۱۳۷۵) سازمانیابی فضا با تأکید بر سیستمهای شهری، مطالعه موردی: استان اصفهان، رساله دکتری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران .

- روستایی، شهریور (۱۳۷۸) سازمان یابی نظام سکونتگاهی و نقش آن در تعادل ناحیههای استان آذربایجان شرقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

- رهنمایی، محمدتقی، فرهودی، رحمت الله، ضیا توانا، محمدحسن و خمر، غلامعلی (۱۳۹۰) تحلیل وضعیت نخست شهری در سطوح استانی (سیستان و بلوچستان) و ناحیههای (زابلی)، جغرافیا، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۰، انجمن جغرافیایی ایران، تهران، (صفحات ۸۱-۱۱۰) .

قابل توجهی در تقویت همپوندی فضایی و توسعه پیوسته کریدور شهری کرمانشاه اسلام آباد ایفاء نماید. یکی از وظایف برنامه‌ریزی و آمایش فضایی برای تعادل و پایداری نظام شهری استان باید پایش تحولات فضایی به منظور کنترل شهرنشینی و جلوگیری از پیدایش یک تمرکز و تجمع شهری در این کریدور باشد.

تقویت نقش شهرهای واقع در طبقات میانی شبکه شهری: تقویت بنیانهای اقتصادی، زیرساختی و خدماتی شهرهای متوسط و کوچک نسبت به رشد شهر کرمانشاه به نحوی که بتوانند در سطح بندی نظام شهری پاسخگوی نیازهای مختلف جمعیت تحت نفوذ خود باشند. در این نظام شهر کرمانشاه به عنوان شهر برتر با نقش و عملکرد فرااستانی است. تعدادی از شهرهای مرکز شهرستان با توجه به قرارگیری در رده شهرهای میانی و موقعیت جغرافیایی در سطح استان (شامل شهرهای کنگاور، سنقر، جوانرود، صحنه، سرپل ذهاب، هرسین و اسلام آباد غرب، پاوه و گیلان غرب) در صورت تقویت می‌توانند بخشی از وظایف استانی شهر کرمانشاه را برعهده گیرند. تقویت شهرهای تازه آباد، کرند غرب، قصرشیرین و روانسر (در بخش غربی استان) می‌تواند پاسخگوی نیازهای خدماتی ناحیه پیرامون خود باشند. در این میان شهر قصرشیرین علاوه بر ایفای نقش مذکور دارای نقش ویژه مبادلاتی نیز خواهد بود.

سایر نقاط شهری استان روستا شهرهایی هستند که تقویت آنها به منظور جذب بخشی از جمعیت منطقه شهری استان مدنظر است. همچنین این نقاط مراکز واسطه‌ای میان مراکز شهری و روستاهای استان هستند و نقش مهمی در تامین نیازهای خدماتی مراکز روستایی اطراف خود و کاهش مراجعات ساکنین این مراکز به سایر نقاط شهری استان دارند. به عبارت دیگر تفاوت آشکار اینگونه نقاط با روستاهای تحت پوشش آنها به عنوان مراکز ارائه کننده خدمات است.

نباید فراموش کرد رویکردها و راهبردهای ملی شهرنشینی و نظام اسکان در سطح کلان با کارائی و موفقیت سیاست‌ها در سطح خرد ارتباط مستقیم دارد و شکل‌گیری یک نظام موزون سکونتگاهی در سطح منطقه نیز نیازمند اتخاذ راهبردهای مناسب در سطح ملی است. با این حال شواهد چندان محکمی که نشان دهد انقباض در نظام شهری کشور و مناطق در حال تحلیل رفتن است در دست نیست و از این رو پدیده سلطه و تمرکز به دلایل متعدد تا مدت‌ها ماهیت خود را در این نظام حفظ خواهد کرد. به همین دلیل توسعه و تعادل منطقه‌ای همواره یکی از مسائل اساسی و موضوعات قابل بحث در فضای سرزمینی ایران باقی خواهد ماند.

- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۵۱) مطالعات جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی، بتل مموریان، تهران .
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۵۶) مطالعات استراتژی درازمدت طرح آمایش سرزمین، جلد سوم - ستیران، گزارش نهایی، تهران .
- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه (۱۳۵۶) گزارش وضع موجود، عملکرد برنامه پنجساله پنجم (قبل از انقلاب)، کرمانشاه .
- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه (۱۳۷۴) گزارش وضع موجود، عملکرد برنامه پنجساله اول و برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه (بعد از انقلاب)، کرمانشاه .
- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه (۱۳۸۰) گزارش وضع موجود، عملکرد برنامه پنجساله دوم و برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه (بعد از انقلاب)، کرمانشاه .
- سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه (۱۳۸۶) گزارش وضع موجود، عملکرد برنامه پنجساله سوم و برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه (بعد از انقلاب)، کرمانشاه .
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۶۴) طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی - سنتز مطالعات، تهران .
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه (۱۳۸۱) مطالعات جامع توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی استان کرمانشاه، کرمانشاه .
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه : آمارنامه استان کرمانشاه 1384 - ۱۳۸۸ .
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳) طرح آمایش سرزمین - جهتگیریهای آمایش ملی، تهران .
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور: آمارنامه کل کشور، ۱۳۸۸ .
- سند ملی توسعه استان کرمانشاه، مصوب هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۴/۵ .
- صرافی، مظفر (۱۳۷۷) مبانی برنامه ریزی توسعه منطقی‌های، سازمان برنامه و بودجه، تهران .
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱) پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، تهران .
- فتحی، علی (۱۳۸۱) نظام سلسله مراتبی شهرهای استان کرمانشاه و شیوه‌های تعادل بخشی آن، پایاننامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران .
- فنی، زهره (۱۳۷۵)، نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقی‌های، مطالعه موردی : استان خوزستان، رساله دکتری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران .
- کنعانپور، جهانگیر (۱۳۷۶) برنامه ریزی نظام شهری منسب شرایط ایران، مطالعه موردی : استان اردبیل، پایاننامه کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشکده شهیدبهبشتی، تهران .
- کوهی، سلیمان (۱۳۸۲) بررسی الگوی بهینه نظام شهری در استان کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج استان کرمانشاه - ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، تهران .
- مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۲) نارسایی فضایی نظام شهری استان زنجان، رساله دکتری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین و جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران .
- نظریان، اصغر (۱۳۷۴) جغرافیای شهری ایران، پیام نور تهران .
- نظریان، اصغر (۱۳۸۸) ، پویایی نظام شهری ایران، مبتکران، تهران .
- نظریان، اصغر (۱۳۷۵) جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی، مورد: استان زنجان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۵، مشهد (صفحات ۴۸ - ۷۱).
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۶) طرح کالبدی منطقه زاگرس - گزارش شبکه شهرها و خدمات، جلد اول، تهران .
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۵) طرح کالبدی ملی - گزارش تلفیق، جلد اول، تهران .
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۵) طرح کالبدی ملی ایران - گزارش سنتز مطالعات، جلد اول، تهران .
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۷۵) طرح کالبدی ملی - گزارش سنتز مطالعات، جلد چهارم، تهران .
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۷) طرح کالبدی منطقه شمال شرق، مهندسان مشاور فرهاد - عرصه، تهران .